۱۸۱

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

هر کس قبول دارد یا ندارد، باید به عرفی که در جامعه ایجاد شده و مخالف شرع نباشد، احترام کند. به‌همین‌جهت، امروز مشهور است به روز سیزده‌بدر، مع‌ذلک من صبح جمعه، خطبه‌ی جمعه، دیدار مؤمنین را نمی‌توانم ترک کنم و آمدم که همه را دیدن کنم، زیارت کنم.

مجدّداً عید نوروز را به همه‌تان تبریک می‌گویم و الحمدلله آنهایی که هستیم، خداوند نعمت سلامتی به ما داده است. کما اینکه دیدید هیچ‌گونه مخالفت یا عدمِ اعتقاد، هر کسی خودش در دل خودش هر اعتقادی داشته باشد، به دیگران لطمه نمی‌زند ولی آن اعتقاد را نباید به یک نحوی تحمیل کند. مثلاً اسم امروز را گذاشته‌اند: روز طبیعت. همه‌ی روزها روز طبیعت است. اصلاً طبیعت مخلوقِ خداوند است و ما به طبیعت هم احترام می‌گذاریم یعنی طبیعت چیزی است که در ظاهرِ همه‌ی مخلوقات آمده است، حتّی در زبان‌های معمولیِ ما می‌گوییم طبیعتِ انگور مثلاً گرمی است، طبیعتِ گردو گرمی است یعنی چه طبیعت؟ یعنی آن واقعیّتِ آن.

از لحاظ واقعیت تمام روزها، روز طبیعت است و خودِ طبیعت جمعاً با این حواشی‌اش مخلوق خداوند است ولی نمی‌شود این را تغییر داد، مردم عرفاً می‌گویند سیزده بدر. این هیچ دلیلی بر این نیست که سیزده را نحس بدانیم. تازه کسی سیزده را نحس بداند، اگر نحسی را از جانب خداوند بداند، کفر نیست، مگر اینکه نحسی را مستقل، از خودش بداند. چه بسا یک نفر، یک گروهی، یا یک نفر از یک گروهی، به مناسبت یک وقایع خاصّی که در آن روز برای او به‌وجود آمده، آن روز را یا نحس یا به‌عکس، مبارک قرار بدهد. برای خودِ آن شخص و اگر چند نفری، یک گروهی، یک جامعه‌ای، یک خانواده‌ای به آن معتقد باشند، برای آنها لازم‌الاتّباع است.

فرض بفرمایید مثلاً روز شهادت مرحوم آقای سلطان‌علیشاه اعْلَی‌اللهُ‌مَقامَهُ، برای ما خانواده‌شان یعنی من که فرزندِ نوه‌شان هستم و نوه و دیگران همه، یک روز محترمی است. ما خانواده سعی می‌کنیم که در آن روز عروسی، سروری قرار ندهیم. بعد به همین درجه یک کمی کمتر، فقرا هم همین نظر را دارند. سعی می‌کنیم در آن روز به‌یاد آن حضرت باشیم ولی برای سایرِ مردم چنین موقعیتی نیست جز اینکه بعضی از جنبه‌ی اجتماعی، مثلاً روزی برای سعدی یا برای حافظ، روزی برای حاج ملّاهادی، روزی هم برای مرحوم سلطان‌علیشاه قرار می‌دهند احتراماً ولی برای هیچکس الزامی نیست. همینقدر باز خوب است که یاد آنها باشیم.

اگر کسی بگوید که امروز آنچنان نحس است که خودِ روزش نحس است و خودش هر چه می‌خواهد بلا به سر ما می‌آورد، این کفر است. که از این قبیل کفرها در دنیای امروز فراوان است. بنابراین سیزده بدر حالا نه به اسم سیزده، یک روزی است که وقتی ما نحس می‌دانیم، برای فرار از نحوست، به خداوند پناه می‌بریم. شاید سایر اوقات غفلت داریم و پناه نمی‌بریم ولی امروز این نامگذاری ولو غلط، ما را هل می‌دهد به سمت خداشناسی. از این نظر هم که بسیار خوب است. بنابراین اگر این را به‌عنوان کفری و بتی در واقع قرار بدهیم گناه دارد وِالّا غیر از این، همه‌ی روزها، روز شادی است. ان‌شاءالله همه با هم شاد و خرّم باشیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۳، جلسه برادران ایمانی)

*****

امروز سیزده‌بدر است که از قرن‌ها پیش شاید، این اسم بوده ولی عوض کردنِ اسم هم یک کار قشنگی نیست مگر اینکه یک اسم خاصّی باشد. به‌هرجهت، هیچ عیبی ندارد که همان اسمش سیزده‌بدر باشد ولی بدانید هیچ روزی نحس نیست، تمام روزها روز خداست. حالا اگر برای یک نفر، در یک روز، خیلی وقایع ناراحت‌کننده اتفاق می‌افتد، آن روز برای او نحس است نه اینکه روز، نحس است. روزِ او نحس است برای سایرین نه! می‌گوید:

در ایــن گنبــد ســرای آبنوســی
بــود جــایی عــزا جــایی عروســی

در یک روز، یکی می‌گوید روز عروسی، یکی می‌گوید روز عزاست. این است که از نحوستی که در دل‌تان احساس می‌کنید، پرهیز کنید و بگویید روز مبارکی است. اگر هم اسم گذاشتند که روز منحوس نحس است، برای این است که یادتان بیاید که از هر نحسی‌ای که در دنیا داشتید، باید به خدا پناه ببرید بنابراین از این‌جهت این روز مبارک است برای اینکه روزی است که اضافه بر همیشه شما را وادار می‌کند یک أَعُوذُ بِالله بگویید. من مخصوصاً این را بیان کردم برای اینکه خیلی‌ها نگران و ناراحت هستند و آنهایی که معتقد بودند، علاقه‌مند بودند که افکارشان، عادات‌شان، رسوم‌شان مطابق امر الهی و دینی باشد، آنها گاهی ناراحت می‌شدند که آیا ما سیزده‌بدر بگیریم یا نگیریم؟ و از اینکه فرض کنید من فرضاً نمی‌توانم مثل جوان‌ها سیزده‌بدر بگیریم در خانه نشستم، آن آخر یا دعایی می‌خوانم یا هر چی و می‌گویم من چون نمی‌روم به سیزده‌بدر بنابراین سیزده‌بدر بد است، نه! سیزده‌بدر بد نیست، مزاج من بد است. شما هم بدانید هیچ چیزی بد نیست، نحس نیست، هیچ امر مشروعی. هر امری یا خوب است و یا نامشروع. همه‌ی امورِ مشروع در نظر ما خوب است. خداوند خودش فرموده، دین اسلام فرموده است که آنچه در آداب و رسوم دیگران در هر ملّتی هست، رعایت کنید، آنچه که خلاف شرع نباشد.

***

در تاریخ هم می‌خوانید که کوروش به یهودیان محلّی داد، کوروش یهودی نبود، از نژاد و از نسلِ حضرت یعقوب به بعد را یهودی می‌گویند. او خودش یهودی نبود. اینقدر که یهودی‌ها هم احترامش می‌گذارند و حتّی اسرائیلِ امروزی احترامش می‌گذارد و بسیاری از پیغمبران آنها در مملکت ما دفن هستند. دانیالِ نبی، حبقوقِ نبی و خیلی‌ها. این به‌واسطه‌ی این بود که او خودش به عقاید مذهبیِ آنها احترام می‌گذاشت، از این جهت کوروش خیلی مورد احترام همه قرار گرفت.

دین اسلام نگفت که هر چه غیر از اسلام است، غیر از مسلمان است، بکشید. نه! یک رویّه‌ی خاصّی و آن هم برای اشخاصی که وارد هستند، مجازند. در اوّل اسلام چون یک گروهی بودند، گروه اندکی در فیلم دیدید، وقتی می‌خواستند طواف کنند تازه آنوقت بوده که یک‌خرده آرام شدند، دست حلقه به هم کرده بودند که اذیّت‌شان نکنند. برای اینها، برای کسانی که از خانه بیرون‌شان کردند، مدّتی به شعب ابیطالب تبعید کردند مثل بایکوت. آنها را بایکوت کردند که هیچ معامله‌ای با آنها نکنند یعنی این اشخاص برای اینکه به حقّ خودشان برسند شمشیر کشیدند، بله! وقتی قبیله‌ای خوابیده، می‌ریزند شبانه موقع خواب آنها را قتل‌عام می‌کنند، اینها چه‌کار کنند؟ اینها هم باید با شمشیر پاسخ بدهند ولی بعد که آرام شد و حضرت پیغمبر به مدینه تشریف آوردند، حکومت اسلامی شد. در زمان حکومتِ پیغمبر داستانی هست که شب یکی مهمان پیغمبر شد، یکی از علمای یهود و بالاخره نمی‌توانست برگردد، همانجا خوابید. صبح بلند شدند دیدند که رختخوابش آلوده است، پیغمبر به هر یک از زن‌هایش گفت، با آفتابه آب بریزید این را بشویید. می‌گفت: مهمان من نبوده، مهمان تو بوده، خودت بشوی! هیچ‌کدام امر پیغمبر را اطاعت نکردند. البتّه کار بدی کردند، هر چه پیغمبر گفت باید انجام بدهند ولی این خطای آنها چیزی نبود که بازخواست کند، خودِ پیغمبر گفت: آب بیاورید مشغول شستن شد که بعد در این ضمن آن مهمان برگشت، دید پیغمبر دارد خودش می‌شوید، اینقدر متأثّر و ناراحت شد که بعد مسلمان شد. حتّی بعضی فرمان‌های پیغمبر را اجرا نمی‌کردند مثل همین. این است که دینِ شمشیر نیست، دین خداست. خداوند گاهی شمشیر می‌کشد و گاهی پیغمبر رحمت می‌فرستد. پیغمبران خدا گاهی زندگی معمولی دارند، گاهی مثل سلیمان و داود سلطنت بزرگی هم دارند. امر، امر خداست.

امیدوارم سال به شما خوش گذشته باشد و سالیان دراز با سلامتی و تکیّه به لطفِ خداوند و همیشه به یاد او بودن، باشید، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۳، جلسه خواهران ایمانی)

*****

هیچ مؤثّری جز خدا نیست، خداست که همه چیز فراهم می‌کند. اگر این نیّت در دلتان باشد و

بلکه معنای این حرف در رگ و پوست شما جای بگیرد، دیگر هیچ کار دیگری به شما ضرر ندارد. این را به عبارت دیگری گفته‌اند، وقتی گفته‌اند که ولایت علی را در دل داشته باشید، افْعَلْ مَا شِئْتَ این را که داشتید، هر کار بکن. منتها ما آن را نداریم اگر آن ولایت را داشته باشیم یعنی چشممان جز خدا نبیند، در آن صورت مَا شِئْتَ آنچه ما بخواهیم، مایی نیستیم دیگر، شِئْتَ یعنی آنچه دلت می‌خواهد بکنی، این شِئْتَ با شاءالله یعنی آنچه خدا خواست، یکی می‌شود.

حالا ما هم اگر اینها را داشته باشیم، سیزده بدر بگیریم، یک گردشی است، تفریحی است. در آن تفریح خدا را می‌بینیم. به‌قول آن شعر:

در خرابات مغان نور خدا می‌بینم

وین عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

دیگر همه چیز نور می‌شود. حالا ما هم از امروز ان‌شاءالله لباسی که لکّه‌دار بود، درآوردیم گذاشتیم کنار. همان دیروز آنچه که ما نحوست می‌گوییم، همین لکّه‌هایی است که بر لباس خودمان هست، این را درآوردیم گذاشتیم کنار. چهارده که در نظر ما خیلی مقدّس است به اعتبار چهارده معصوم، آن لباس را پوشیدیم. آن لباس عیدمان است. حالا ان‌شاءالله این لباس عید را همانطور پاک و تمیز نگه‌داریم.

این تصنیف‌هایی که از دل کسی برمی‌خیزد، باز هم اثر می‌کند. می‌گوید: «حالا دیگه نوبت توست» البتّه آنی که در یک مقام دیگری بوده، من و تویی می‌بیند، می‌گوید که همیشه نوبت توست بله، ما نوبت نداریم ما کی هستیم؟! ولی ما، در دل خودمانیم، با خدا می‌گوییم حالا دیگه نوبت توست، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۴، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.